

From Anomie to Order: An Autopsy of Law-evasion in Iranian Society

Mojgan Saeedi , PhD Student in Iranian Social Issues, University of Kashan, Kashan, Iran. Email: Saeedimojgan371@yahoo.com

Mohsen Niazi , Professor, Department of Social Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran.
(Corresponding Author), Email: niazim@kashanu.ac.ir

Abstract

Social order is a fundamental pillar of stability, cohesion, and development in societies. This order is sustained through a combination of formal and informal rules and norms, with the law serving as its cornerstone. Law functions not only as a mechanism for organizing social relations but also as the primary indicator of a society's degree of order. When citizens disregard or fail to adhere to legal norms, societies encounter various forms of disorder, deviance, and social threats. Drawing on Giddens' theory, law constitutes a system of formal norms enacted and enforced by state institutions, and any violation thereof constitutes law evasion. As a form of social deviance, law evasion encompasses a broad spectrum of behaviors-ranging from minor, everyday infractions to severe and persistent criminal acts. In Iran, while precise statistics on the prevalence of law evasion remain scarce, the marked rise in the prison population over recent decades signals an escalating trend, warranting rigorous scholarly investigation. Beyond fostering insecurity and eroding social trust, law evasion undermines the efficacy of legal institutions and exacerbates risks of economic and political crises.

To develop a nuanced and comprehensive understanding of law evasion in Iran, this study employs a qualitative meta-synthesis approach. Through a systematic literature review, 25 research articles published between 2005 and 2021-each directly addressing law evasion in Iran-were identified and selected. Utilizing directed content analysis, shared concepts, components, and themes across these studies were extracted and synthesized into seven conceptual constructs.

The findings reveal that law evasion in Iran stems from a complex, multidimensional interplay of factors. At the demographic level, variables such as age, gender, education, marital status, and employment status exhibit significant correlations with law-evading behaviors. Younger individuals, driven by desires for autonomy and limited life experience, demonstrate higher susceptibility to such behaviors compared to other age cohorts. Men exhibit greater propensity for law evasion than women, whereas higher educational attainment and marriage are generally associated with reduced engagement in such conduct.

Socially, structural inequalities and perceptions of relative deprivation-particularly among low-income and marginalized groups-fuel distrust, social exclusion, and



eventual law evasion. Economically, unemployment, poverty, income disparities, and financial strain diminish incentives for legal compliance and may even incentivize violations. Culturally, the erosion of religious adherence, declining social capital, weak internalization of civic norms, institutional distrust, and dissonance between official and lived values collectively amplify tendencies toward law evasion.

Within the political and administrative spheres, inequitable law enforcement, systemic corruption, and inadequate institutional oversight erode public perceptions of legal legitimacy, inadvertently legitimizing law-evading behaviors. Environmental and spatial dimensions further exacerbate this phenomenon: residence in deprived neighborhoods, deficient public spaces, inadequate social services, and dilapidated urban infrastructure create conditions ripe for social disorder.

Theoretical frameworks such as anomie (Durkheim, Merton), social control (Hirschi), social capital (Putnam), and social bonding provide a robust foundation for interpreting these causal dynamics.

This study underscores the imperative of adopting an interdisciplinary, multi-level approach to mitigate law evasion. Law evasion is not merely a product of individual moral failings but a manifestation of structural crises, policy deficiencies, and socio-cultural fractures. Effective countermeasures demand policies that simultaneously advance social justice, fortify social capital, restore institutional trust, and ameliorate economic, cultural, and urban conditions. The conceptual framework derived from this meta-synthesis offers a valuable foundation for future research, policy formulation, and multidimensional interventions aimed at curbing law evasion in Iran.

Keywords: Law evasion, Qualitative meta-synthesis, Social capital, Social control, Anomie.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



از آنومی تا نظم: کالبدشکافی قانون‌گریزی در جامعه ایران

مژگان سعیدی^۱، محسن نیازی^۲

چکیده

قانون‌گریزی به عنوان یکی از مسائل مزمن اجتماعی در ایران، تبعات گسترده‌ای برای نظم عمومی، مشروعیت سیاسی و توسعه پایدار به همراه دارد. پژوهش حاضر با هدف واکاوی ابعاد گوناگون این پدیده، با بهره‌گیری از رویکرد فراتحلیل کیفی (فرا ترکیب) و مرور نظام‌مند مطالعات، به تحلیل محتوایی ۲۵ مقاله علمی-پژوهشی منتشر شده بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰ پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که قانون‌گریزی در ایران تحت تأثیر مجموعه‌ای از متغیرهای جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، مدیریتی و محیطی قرار دارد. در تحلیل این یافته‌ها، نظریه‌های آنومی (دورکیم و مرتن)، کنترل اجتماعی (هیرشی)، سرمایه اجتماعی (پاتنام) و پیوند اجتماعی، چارچوب مفهومی غالب در تبیین علل قانون‌گریزی به شمار می‌روند. بر این اساس، مقابله مؤثر با قانون‌گریزی مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات سیاستی در سطوح مختلف است، از جمله: تقویت سرمایه اجتماعی از طریق اعتمادسازی و مشارکت‌پذیری، افزایش عدالت رویه‌ای و اجرای منصفانه قانون، ارتقای فرهنگ قانون‌مداری از طریق آموزش عمومی و رسانه‌ها، بازسازی مشروعیت نهادی، حمایت از اقشار محروم و بازنگری در ساختارهای نظارتی و اجرایی. یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزی‌های پیشگیرانه و تصمیم‌سازی مبتنی بر شواهد برای کاهش قانون‌گریزی در ایران باشد.

واژگان کلیدی

قانون‌گریزی، فراتحلیل کیفی، سرمایه اجتماعی، کنترل اجتماعی، آنومی.

مقدمه

نظم اجتماعی یکی از مفاهیم اساسی در جامعه‌شناسی و به‌طور کلی علوم اجتماعی به شمار می‌رود این مفهوم با فراهم کردن ساختار و قوانینی برای جامعه سبب تعادل روابط اجتماعی می‌شود یکی از وظایف اصلی نظم اجتماعی، تنظیم روابط بین افراد و گروه‌هاست. باوجود تنوعات (قومی-زبانی-جنسیتی-طبقه‌ای) و تفاوت‌های موجود در جامعه تلاش نظم اجتماعی بر آن است تا مکانیسم‌هایی را فراهم کند که اختلافات و تنش‌ها را کاهش داده و به‌جای آن تعادل، تعامل سازنده و هماهنگی را در جامعه گسترش دهد. هنگامی که اساس یک جامعه بر نظم بنا شده باشد اعضای جامعه می‌توانند بدون وجود عوامل مخل به‌گونه‌ای آرام و بی تنش در کنار یکدیگر زندگی کرده و به‌تدریج به تحقق اهداف فردی و جمعی بپردازند. به همین دلیل است که نظم اجتماعی یک عامل حیاتی برای حفظ بقا و پیشرفت جامعه است. ازجمله مهم‌ترین معرف‌ها و وسایل سنجش نظم در یک جامعه، قانون^۱ است، درواقع قوانین در جهت حفظ و حمایت از نظم اجتماعی عمل می‌کنند. بدون وجود قوانین و یا در صورت التزام شهروندان به آن‌ها، جوامع به سمت تنش‌ها و آشفتگی‌های اجتماعی پیش می‌روند. در حقیقت، این تنها اخلاقیات و قوانین هستند که مانع تحقق جمله معروف توماس هابز «انسان گرگ انسان است» می‌شوند.

براساس دیدگاه آنتونی گیدنز^۲، قوانین درواقع مجموعه‌ای از هنجارها و قواعد رفتاری‌اند که توسط نهادهای حکومتی و ساختارهای سیاسی حاکم بر جامعه تعیین و تصویب می‌شوند. این هنجارها و قواعد، معیارها و الزاماتی را برای شهروندان تعریف می‌کنند که ملزم به رعایت آن‌ها هستند. در تعریف گیدنز، قوانین دارای پشتوانه و ضمانت اجرایی رسمی از سوی نهادهای حکومتی‌اند، به باور او، جرم و قانون با یکدیگر رابطه‌ای تاریخی دارند؛ زیرا جرم را به‌عنوان هر نوع رفتاری تعریف می‌کند که منجر به نقض قوانین می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

دیدگاه گیدنز درباره قوانین و جرم، ما را به سمت بررسی دقیق‌تر انواع هنجارها و قواعد رفتاری در جامعه هدایت می‌کند، در هر جامعه، برای حفظ نظم و انسجام اجتماعی، مجموعه‌ای از قواعد و الزامات رفتاری (هنجارها) وجود دارند که افراد ملزم به رعایت آن‌ها هستند. برخی از این قواعد و هنجارها، جنبه رسمی داشته و دارای

1. Law

2. Anthony Giddens

پشتوانه و ضمانت اجرایی از سوی نهادهای حکومتی می‌باشند. در مقابل، برخی دیگر از هنجارها، غیررسمی بوده و بر اساس عرف و آداب رسوم هر جامعه شکل گرفته‌اند. به‌طور کلی، هرگونه تخطی و نقض این هنجارها، چه رسمی و چه غیررسمی، توسط افراد را می‌توان انحراف یا کجروی نامید، اما تخطی از هنجارهای رسمی که دارای پشتوانه قانونی هستند را قانون‌گریزی^۱ می‌نامند.

بنابراین، طبق تعاریف فوق قانون‌گریزی عبارت است از هرگونه رفتار یا عملی که در آن فرد یا افراد، از قوانین و مقررات رسمی و الزام‌آور جامعه تخطی می‌کنند. فرد قانون‌گریز کسی است که به‌صورت عمدی و آگاهانه از قوانین حاکم بر جامعه سرپیچی می‌نماید. باین‌حال، باید توجه داشت که قانون‌گریزی پدیده‌ای گسترده و دارای درجات مختلف است. اکثر افراد در طول زندگی خود، گاه و به‌صورت محدود، برخی از قوانین و هنجارهای رسمی را نادیده می‌گیرند، در مقابل، عده‌ای دیگر به نقض مستمر و عادت‌وار قوانین روی آورده‌اند؛ بنابراین، می‌توان قانون‌گریزی را یک طیف از رفتارها در نظر گرفت که از یک سو شامل قانون‌گریزی شدید، مستمر و خشونت‌آمیز مانند قتل، سرقت و جنایات جدی می‌شود که آن را قانون‌گریزی سخت می‌نامند و در سوی دیگر این طیف، قانون‌گریزی ضعیف، گهگاهی و غیرخشونت‌آمیز قرار دارد که به آن قانون‌گریزی نرم گفته می‌شود. درواقع، قانون‌گریزی یک پدیده چندوجهی است که می‌تواند شدت‌ها و درجات مختلفی از نقض قوانین را در برگیرد؛ از تخلفات جزئی و گذرا گرفته تا جرائم شدید و مستمر (علی بابایی، ۱۳۸۸).

هرچند آمار دقیقی از میزان جرائم و قانون‌گریزی‌ها در ایران قابل‌دسترس نیست، اما بر اساس رشد تعداد زندانیان می‌توان به افزایش جرائم پی برد. به‌گونه‌ای که پیش از انقلاب، با جمعیت حدود ۳۶ میلیون نفری، شمار زندانیان به ۱۰ هزار نفر می‌رسید. اگر نرخ رشد زندانیان را متناسب با جمعیت کنونی (بالغ بر ۸۰ میلیون نفر) محاسبه کنیم، انتظار می‌رود این عدد به ۳۰ هزار نفر نزدیک شود؛ اما امروزه تعداد زندانیان ۸ برابر این رقم است (hamdelidaily.ir).

قانون‌گریزی به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، پیامدهای زیانباری برای جوامع دارد. نخست آنکه با افزایش جرم و جنایت، بستر ناامنی و خشونت را فراهم می‌کند و هزینه‌های سنگینی به جامعه تحمیل می‌نماید. دوم، حقوق افراد را نقض کرده و به بی‌عدالتی دامن می‌زند که این خود موجب نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد به‌نظام

قانونی می‌شود. سوم، تضعیف تدریجی قدرت و اعتبار نهادهای قانونی، اجرای عدالت و حفظ نظم عمومی را با چالش مواجه می‌کند. درنهایت، در سطح کلان، قانون‌گریزی می‌تواند به بحران‌های اجتماعی و اقتصادی مانند فساد، تجارت غیرقانونی و فرار مالیاتی بینجامد که ثبات و توسعه پایدار را تهدید می‌کنند.

بنابراین و با توجه به اهمیت موضوع قانون‌گریزی، انجام پژوهشی با رویکرد فراترکیب (فراتحلیل کیفی) برای تحلیل و ترکیب نظام‌مند یافته‌های پیشین ضروری به نظر می‌رسد. هدف اصلی این پژوهش، ایجاد یک چهارچوب مفهومی یکپارچه از طریق تحلیل تفسیری و عمیق مطالعات پیشین، شناسایی الگوهای کلیدی و استخراج عوامل مؤثر چندسطحی بر قانون‌گریزی در ایران است. درواقع این تحقیق به‌جای تمرکز بر یک یا دو عامل خاص، به بررسی طیف گسترده‌ای از عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در ایران می‌پردازد که نتیجه این رویکرد جامع، درک عمیق‌تر این پدیده پیچیده و ارائه راهکارهای جامع‌تر برای مقابله با آن است که برای پژوهشگران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی در درک بهتر پدیده قانون‌گریزی و طراحی راهکارهای مؤثر برای کاهش آن مفید خواهد بود. به‌علاوه این تحقیق به غنی‌سازی دانش نظری در مورد قانون‌گریزی در ایران نیز کمک می‌کند.

مبانی نظری پژوهش

به‌منظور تحلیل و تفسیر پدیده قانون‌گریزی در ایران، این بخش به‌مرور و تبیین نظریه‌های رایج در حوزه علوم اجتماعی می‌پردازد که در تحقیقات پیشین به‌عنوان چارچوب مفهومی برای تبیین رفتارهای انحرافی و قانون‌گریزانه به‌کار گرفته شده‌اند. هدف از این مرور، ایجاد بنیانی نظری برای تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر است. در این راستا، نظریات مطرح در درون پارادایم‌های ساختارگرایی، فرآیندهای اجتماعی و تضاد اجتماعی به‌عنوان رویکردهای مسلط در تبیین مسائل اجتماعی، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

پارادایم ساختارگرایی^۱: این دیدگاه میزان انحراف و آسیب‌های اجتماعی را با شرایط اقتصادی- اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی مرتبط می‌داند. طبق این دیدگاه، انحراف نتیجه نابرابری‌های ایجادشده در داخل ساختار اجتماعی است، حتی جوانانی که از حمایت بی‌دریغ والدین و اعضای خانواده برخوردارند، اگر دچار محرومیت

اجتماعی باشند، در معرض خطر جرائم، بزهکاری و رفتارهای پرخطر در طول دوران زندگی خویش قرار دارند (سیگل و سنا، ۱۳۸۴: ۲۰۹).

سه شاخه اصلی این پارادایم، نظریات بی‌سازمانی اجتماعی، فشار و انحراف فرهنگی است. طبق نظریه بی‌سازمانی اجتماعی^۲، زندگی در مناطق فقیرنشین با تمایل به ارتکاب جرم در ارتباط است. نظریه بی‌سازمانی بیان می‌دارد که انحراف یا قانون‌گزیزی، حاصل تأثیرات اجتماعی موجود در مناطق زاغه‌نشین مرکز شهر است. محله‌هایی که فاقد ابزار لازم جهت کنترل انحراف، حمایت از ساکنان و نظارت بر عملکرد اجتماعی هستند، در معرض خطر قرار دارند. در داخل این مناطق، رفتار کنترل نشده گروه‌های بزهکار، توانایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و مدرسه را جهت حفظ نظم کاهش می‌دهد. نتیجه این روند شکل‌گیری نواحی ثابت جرم و انحراف است. عوامل زیست‌محیطی و بوم‌شناختی نظیر مسکن فاقد استاندارد، درآمد پایین، سطوح بیکاری، مدارس نامناسب، خانواده‌هایی ازهم‌پاشیده، تراکم شهری، و ازدحام جمعیت باعث اختلال اجتماعی شده و در نتیجه، معیار پیش‌بینی میزان بالای بزهکاری و رفتارهای مخاطره‌آمیز است (همان). به عبارتی نظریه بی‌سازمانی معتقد است فقر، تراکم جمعیت و فقدان امکانات در مناطق فقیرنشین، بستر انحراف و قانون‌گزیزی را فراهم می‌کند.

نظریه فشار فرهنگی^۳: نظریه‌های زیرمجموعه دیدگاه فشار فرهنگی، جرم را همچون پیامد مستقیم خشم و ناکامی طبقات پایین شهری در نظر می‌گیرند. نظریه‌پردازان فشار معتقدند که اکثر مردم در ارزش‌ها و هدف‌های مشترکی سهیم‌اند، ولی توانایی رسیدن به این هدف‌ها به طبقات اجتماعی و اقتصادی آن‌ها بستگی دارد. در نواحی نابسامان، جرم به این دلیل رخ می‌دهد که وسایل مشروع دسترسی به موفقیت محدود است و افراد از روش‌های منحرفانه برای رسیدن به هدفشان استفاده می‌کنند (مثل دزدی) و از هدف‌هایی که به‌طور اجتماعی موردپذیرش است دوری می‌جویند. (حسینی نثار و فیوضات، ۱۳۹۰: ۶۱) به‌طورکلی نظریه فشار فرهنگی بیان می‌دارد محرومیت طبقات پایین از فرصت‌های موفقیت، آنان را به سمت رفتارهای انحرافی و قانون‌گزیزی سوق می‌دهد.

انحراف فرهنگی^۴: طبق این تئوری، تحلیل رفتگی سبک زندگی، ناکامی و افسردگی در بین اعضای طبقات پایین‌تر جامعه موجب می‌گردد یک‌خرده فرهنگ

مستقل، مجموعه قوانین و ارزش‌های مختص خود را ایجاد نمایند. درحالی‌که فرهنگ طبقات متوسط بر تلاش و کوشش زیاد، به تأخیر انداختن ارضا نیاز و آموزش رسمی تأکید دارد، فرهنگ طبقات پایین‌تر به هیجان‌ات، قلدری، ریسک کردن، شجاعت و ارضا فوری نیازها تأکید می‌نماید. این هنجارهای خرده‌فرهنگی اغلب با ارزش‌های متداول جامعه تضاد پیدا می‌کنند. به این سبب که افراد فقیر شهری دریافتند که از عهده تقاضاهای رفتاری طبقه متوسط جامعه برآمدن غیرممکن است، در نتیجه ساکنان محله‌های فقیرنشین مجبور می‌شوند قانون را زیر پا گذاشته و از قوانین فرهنگ کج رو و مخاطره‌آمیز پیروی نمایند (مبارکی، ۱۳۸۳: ۷۹). درواقع باینکه سخت کار کردن، تحصیلات و به تأخیر انداختن لذت‌جویی‌ها از ابزارهایی است که جامعه برای رسیدن به موفقیت ترویج و تشویق می‌کند ولی در نواحی فقیرتر، شکست در رسیدن به جایگاهی متوسط در جامعه به فشار ختم می‌شود و نهایتاً، خرده‌فرهنگی که در محله‌های فقیرنشین گسترش می‌یابد ارزش‌های گوناگونی از جمله لذت‌های آنی، خشونت، هیجان، سرسختی و خطرپذیری را تقویت می‌کند (بریگزا، ۱۳۹۶: ۲۲۹) یعنی خرده‌فرهنگ‌های طبقات پایین با هنجارها و ارزش‌های خاص خود، در تضاد با هنجارهای جامعه‌ی بزرگ قرار دارند و این تضاد، زمینه‌ساز قانون‌گریزی می‌شود. دومین پارادایم معروف در جامعه‌شناسی انحرافات، پارادایم فرایندهای اجتماعی است، تئوری‌های فرایند اجتماعی برکنش‌های متقابل مردم با نهادها، سازمان‌ها و فرایندهای اجتماعی تأکید می‌نمایند و بنا را بر این می‌گذارند که بیشتر کنشگران به‌وسیله روابط خانوادگی‌شان، پیوندهای گروهی همسالان، مراکز آموزشی و کنش متقابل با اشخاص تحت تأثیر قرار می‌گیرند. اگر این روابط مثبت باشد، افراد می‌توانند از عهده مقررات جامعه برآیند. اما اگر این روابط مخرب و ناسالم باشند موفقیت‌های متداول احتمالاً غیرممکن بوده و راه‌حل‌های انحرافی و پرخطر جایگزین آن خواهد شد (Sigel, 2008: 214). نظریه‌های یادگیری اجتماعی، کنترل و برجسب‌زنی از مهم‌ترین تئوری‌های مربوط به این پارادایم‌اند.

نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی بر این باورند که انحراف و انطباق از طریق فرایندهای مشابه آموخته می‌شود و انحراف، نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی به‌ویژه در خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان است، بنابراین نقطه اصلی در این نظریه این است که افراد، انحراف و قانون‌گریزی را در طول تعامل‌های خود یاد می‌گیرند (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰: ۴۸).

کنترل اجتماعی^۱ به‌عنوان مجموعه‌ای از سازوکارهای اجتماعی تعریف می‌شود که باهدف هدایت و پیشگیری از اعمال نامطلوب افراد، به کار گرفته می‌شود. این فرآیند از طریق مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین، قواعد و اصول مشخص و ضمانت‌های اجرا، در پی تحقق هم‌نواپی رفتاری اعضای جامعه و مقابله با کج‌روی‌ها است (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۴۵۲). تراویس هیرشی^۲، یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی، معتقد است که رفتار انحرافی ریشه در ضعف پیوندهای فرد با جامعه دارد. او در نظریه‌اش، چهار عنصر را برای سنجش این پیوندها معرفی می‌کند:

۱. **دلبستگی**: میزان توجه و اهمیت فرد به دیگران، دیدگاه‌ها و خواسته‌های آنان؛

۲. **تعهد**: انطباق پاداش‌ها و مجازات‌های اجتماعی با رفتارهای هنجارمند و نابهنجار افراد؛

۳. **درگیر بودن**: صرف زمان توسط فرد برای فعالیت‌های عادی اجتماعی؛

۴. **باور داشتن**: میزان اعتبار هنجارهای اجتماعی برای فرد و درونی کردن آن‌ها.

هر کدام از این عناصر، حلقه‌ای از ارتباط بین فرد و جامعه را تشکیل می‌دهند. تا زمانی که فرد با گروه‌های عادی جامعه در ارتباط باشد، از هنجارهای اجتماعی پیروی می‌کند؛ اما اگر یکی یا چند حلقه از این ارتباطات ضعیف شود، احتمال انحراف فرد افزایش می‌یابد. هیرشی وابستگی به دیگران را مبنای اصلی درونی کردن هنجارها می‌داند و معتقد است که با افزایش وابستگی تدریجی فرد به دیگران، احتمال بزهکاری او به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد (Hirschi, 2003: 16). مطابق با این نظریات، افراد به دلیل وجود عوامل بازدارنده‌ی بیرونی و درونی، از قانون‌گریزی خودداری می‌کنند.

نظریه برچسب‌زنی^۳ نیز، کج‌رفتاری را مفهومی ساخته جامعه می‌داند، یعنی گروهی در جامعه با تصویب قوانینی که تخطی از آن‌ها کج‌رفتاری محسوب می‌شود، مفهوم کج‌رفتاری را می‌سازند. از این منظر، کج‌رفتاری، ویژگی رفتاری که انجام شده نیست بلکه نتیجه اعمال قوانین و مجازات‌های مربوط در مورد فردی است که آن رفتار را انجام داده است. کج‌رفتار کسی است که این انگ (انگ کج‌رفتاری) به‌طور موفقیت‌آمیزی در مورد او به کاررفته و کج‌رفتاری عملی است که دیگران آن را چنین تعریف کرده باشند (Becker, 1973: 9). این دیدگاه بر اهمیت بازنگری در نحوه برخورد با افراد دارای رفتارهای انحرافی و لزوم توجه به تأثیرات منفی برچسب‌زنی تأکید می‌کند زیرا

1. Social Control theory

2. Travis Hirschi

3. Labeling Theory

برچسب‌زنی جامعه به‌عنوان فردی قانون‌گریز، می‌تواند این هویت را در فرد تثبیت کرده و او را به سمت قانون‌گریزی بیشتر سوق دهد.

پارادایم تضاد اجتماعی^۱: پارادایم تضاد در تبیین انحرافات اجتماعی، دیدگاهی است که بر نقش ساختارهای قدرت و نابرابری‌های اجتماعی در شکل‌گیری رفتارهای انحرافی تأکید دارد. این رویکرد معتقد است که انحرافات اجتماعی نتیجه تضادهای موجود در جامعه هستند. تضاد گرایان عمدتاً مدعی‌اند که توزیع افتراقی قدرت در جوامع متکثر موجب می‌شود گروه‌هایی که سهم کافی از قدرت دارند بتوانند قوانین و مقرراتی تصویب کرده، به اجرا گذارند که به ضرر و زیان منافع گروه‌های رقیب و در خدمت منافع خودشان باشد (Quinney, 1979: 115-160). تضادگرایان متقدم اصولاً تضادهای اجتماعی و فرهنگی را موجب کج‌رفتاری‌های مختلف دانسته، جرم را بخش پیوسته، ذاتی و به‌هنگار از جامعه مدرن صنعتی تلقی کرده‌اند (Thio, 2001: 45). طبق این دیدگاه نابرابری‌های اجتماعی و توزیع ناعادلانه قدرت، گروه‌های فرودست را به سمت قانون‌گریزی به‌عنوان راهی برای اعتراض یا کسب منفعت سوق می‌دهد.

روش پژوهش

در این پژوهش، از رویکرد فراتحلیل کیفی (فراترکیب)^۲ برای تحلیل و ترکیب نظام‌مند یافته‌های مطالعات پیشین در حوزه قانون‌گریزی استفاده شده است. این روش با هدف ایجاد انسجام مفهومی و استخراج چارچوبی یکپارچه از نتایج مطالعات پیشین به کار گرفته شده و بر تحلیل تفسیری محتوای پژوهش‌ها تمرکز دارد. گرچه بخش عمده‌ای از مقالات منتخب با رویکرد کمی و روش پیمایشی انجام شده‌اند، اما در این مطالعه، تمرکز اصلی بر استخراج مفاهیم مشترک، مضامین کلیدی و سازه‌های نظری حاکم بر یافته‌های پژوهش‌های تجربی بوده است. در گام نخست، مرور نظام‌مند متون^۳ به‌منظور گردآوری، پالایش و انتخاب منابع مرتبط با موضوع قانون‌گریزی صورت گرفت. سپس، با بهره‌گیری از الگوی فراترکیب، یافته‌های کلیدی پژوهش‌ها به شیوه تحلیل محتوای هدایت‌شده، مورد بررسی قرار گرفتند و در قالب هفت سازه مفهومی اصلی شامل عوامل جمعیت‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، مدیریتی و

1. Social conflict theory

2. meta-synthesis

3. Systematic Review

محیطی طبقه‌بندی شدند. این رویکرد، امکان تلفیق بین‌متنی نتایج پژوهش‌ها را فراهم ساخته و بستری برای تحلیل کل‌نگرانه از مجموعه‌ای از یافته‌های تجربی فراهم می‌کند.

جامعه‌آماري پژوهش

جامعه‌آماري پژوهش حاضر مقالات فارسي زبان چاپ شده در مجلات با رتبه علمی-پژوهشي در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۸۴ پیرامون موضوع قانون‌گزیزی-قانون‌گرایی بوده است. بررسی مطالعات انجام گرفته پیرامون قانون‌گزیزی حاکی از توجه پژوهشگران به این موضوع علی‌رغم پیشینه قابل توجه آن موضوع است به گونه‌ای که نه تنها بررسی این مسئله تغییر چندانی نکرده بلکه کماکان نیز از موضوعات مورد علاقه آن‌ها برای بررسی و مطالعه می‌باشد.

مقاله‌های منتخب برای بررسی

از مجموع ۴۹ مقاله به دست آمده از جست‌وجوی اولیه در رابطه با موضوع قانون‌گزیزی در پایگاه پورتال جامع علوم انسانی، پایگاه مجلات تخصصی نور و پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی ۴۴ مقاله در راستای اهداف مطالعه حاضر انتخاب شدند، سپس از این تعداد مقاله، با لحاظ کردن عواملی چون مستقل بودن از مطالعات دیگر، سال انجام تحقیق، نحوه قرار گرفتن متغیر قانون‌گزیزی از نظر وابسته یا مستقل بودن در مقاله و عنصر کیفیت کلی ۲۵ مقاله نهایی برای مطالعه و بررسی انتخاب شدند. بنابراین یافته‌های این پژوهش مبتنی بر ۲۵ مقاله منتخب که چک‌لیست کامل آن‌ها پیوست این پژوهش قرار داده خواهد شد، ارائه و گزارش می‌شوند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های استخراج شده از ۲۵ مقاله مورد بررسی، در سه سطح «روش‌شناختی»، «جمعیت‌شناختی» و «محتوایی» ارائه شده‌اند. تحلیل محتوایی پژوهش‌ها نیز در قالب ابعاد هفت‌گانه، به منظور ارائه مدل نهایی قانون‌گزیزی در ایران، طبقه‌بندی و تفسیر شده است:

الف) یافته‌های روش‌شناختی پژوهش‌ها:

از مجموع ۲۵ مقاله مورد بررسی، تعداد ۲۲ مقاله با رویکرد کمی و روش پیمایشی انجام شده‌اند. این امر نشان‌دهنده وجود ادبیات نظری نسبتاً غنی و چارچوب‌های مفهومی تثبیت شده در حوزه قانون‌گزیزی است. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این

مقالات، پرسش‌نامه بوده است و در تحلیل داده‌ها عمدتاً از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شده است. از سه مقاله باقی‌مانده، یک مقاله (دانایی فر) با روش ترکیبی (توصیفی-تحلیلی) و استفاده هم‌زمان از پرسش‌نامه و مصاحبه انجام شده است. مقاله دوم (سوهانیان حقیقی، فولادیان، اکبری) با تکنیک تحلیل ثانویه داده‌ها (تحلیل تطبیقی فازی) به بررسی قانون‌گزینی پرداخته و سومین مقاله (صفاری‌نیا، زالی، امین) با رویکرد کیفی و استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته نگارش یافته است. از نظر نشریات منتشرکننده مقالات، ۱۴ مقاله (۵۶ درصد) در چهار مجله عمده منتشر شده‌اند: فصلنامه انتظام اجتماعی، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، فصلنامه رفاه اجتماعی و مجله جامعه‌شناسی ایران. در این میان، فصلنامه انتظام اجتماعی با ۵ مقاله (۲۰ درصد کل مقالات) بیشترین فراوانی را دارد. از نظر جغرافیایی، بیشترین مطالعات در استان تهران انجام شده‌اند و پس از آن استان‌های مازندران، خراسان رضوی (مشهد) و خوزستان (اهواز) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در یک مطالعه (سوهانیان حقیقی، فولادیان، اکبری)، جامعه آماری گسترده‌تری در ۱۴ استان کشور لحاظ شده است. به‌طور کلی پراکندگی مطالعات در استان‌های شمالی و جنوبی بیشتر مشاهده می‌شود. در بررسی مبانی نظری مقالات، مشخص شد که از ۲۵ مقاله، تنها ۳ مورد فاقد چارچوب نظری مشخص هستند و سایر مطالعات (۲۲ مورد) با بهره‌گیری از نظریات جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر تدوین شده‌اند. از منظر جامعه‌آماری، بخش عمده‌ای از مطالعات مورد بررسی (۱۶ مقاله) بر پایه نظرسنجی از شهروندان عادی طراحی شده‌اند. با این حال، شماری از پژوهش‌ها به بررسی گروه‌های خاص و حرفه‌ای پرداخته‌اند:

جدول ۱. تفکیک مقالات مورد مطالعه بر مبنای جامعه آماری:

جامعه آماری	نویسندگان
دانشجویان	حیدری، رضا دوست، فروتن کیا (۱۳۹۰)
سرپرستان خانوار	شاه‌آبادی، ترکان (۱۳۹۱)
متخلفان و مجرمان	علی محسنی (۱۳۹۱) کشفی، زارعی محمودآبادی (۱۳۹۸)
نهادهای دولتی	عشایری، عباسی، نطقی کاشانی، پیر حیات (۱۳۹۴) صفاری نیا، زالی زاده، زالی زاده، امین (۱۴۰۰)
اساتید دانشگاه	دانایی فر، آذر، صالحی (۱۳۸۸)
ساکنان حومه شهر	پور رجبی، مجدی (۱۳۹۸)

سیمای کلی و روش‌شناختی پژوهش نیز در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۲. فراترکیب پژوهش قانون‌گزیزی

عنوان	نویسنده و سال	روش
ارتباط فقر با قانون‌گزیزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی	کلانتری، ربانی و صداقت (۱۳۸۴)	پیمایش (پرسش‌نامه)
قانون‌گزیزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای)	فیروزجائیان (۱۳۸۸)	پیمایش (پرسش‌نامه)
قانون‌گزیزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی- فرهنگی	دانایی‌فر، آذر و صالحی (۱۳۸۸)	توصیفی - پیمایشی
عوامل اجتماعی مؤثر بر امکان قانون‌گزیزی. راهبرد فرهنگی و اجتماعی	مختاری و قهرمانی (۱۳۹۰)	پیمایش (پرسش‌نامه)
نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گزیزی: مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز	حیدری، رضادوست و فروتن کیا (۱۳۹۱)	پیمایش (پرسش‌نامه)
بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قانون‌گزیزی جوانان در ایران (مطالعه موردی: شهر سبزوار)	سیف‌الهی و فرهودفر (۱۳۹۱)	اسنادی و پیمایشی
رابطه سرمایه اجتماعی و قانون‌گزیزی در بین شهروندان شهر یزد	زارع شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۱)	پیمایش (پرسش‌نامه)
تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گزیزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی	علی محسنی (۱۳۹۱)	پیمایش (پرسش‌نامه)
فرسایش سرمایه اجتماعی و قانون‌گزیزی در شهر تهران	فیروز جائیان و علی‌بابایی (۱۳۹۲)	پیمایش (پرسش‌نامه)
تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با میزان قانون‌گزیزی شهروندان شهر مریوان در سال ۹۴-۱۳۹۳	عزیزی و پرنوی (۱۳۹۴)	پیمایش (پرسش‌نامه)
بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر قانون‌گزیزی شهروندان استان اردبیل	عشایری و همکاران (۱۳۹۴)	پیمایش (پرسش‌نامه)
بررسی تأثیر فرهنگ شهروندی بر میزان گرایش به قانون‌گزیزی (مورد مطالعه: شهر یاسوج)	میر فردی و همکاران (۱۳۹۴)	پیمایش (پرسش‌نامه)
قانون‌گزیزی به مثابه آنومی اجتماعی	فیروز جائیان و هاشمی (۱۳۹۵)	پیمایش (پرسش‌نامه)
تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گزیزی در راندگی با تأکید بر نظریه کنترل اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر نکا)	فیروز جائیان و توکلی (۱۳۹۵)	پیمایش (پرسش‌نامه)

عنوان	نویسنده و سال	روش
تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به قانون‌گزیزی (جوانان ۱۴ الی ۲۹ ساله شهر بروجن)	ربیعی، ملک‌محمدی و فجری (۱۳۹۵)	پیمایش (پرسش‌نامه)
رابطه سرمایه اجتماعی با قانون‌گزیزی: تبیین جامعه‌شناختی	خدایاری، جهانبخش و حقیقیان (۱۳۹۶)	پیمایش (پرسش‌نامه)
قانون‌گزیزی و پیوندهای اجتماعی (مطالعه موردی: شهر اهواز)	میرزایی و همکاران (۱۳۹۶)	پیمایش (پرسش‌نامه)
عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی در مناطق حاشیه‌نشین شهر مشهد	پوررجبی و مجدی (۱۳۹۸)،	پیمایش (پرسش‌نامه)
بررسی رابطه عوامل فرهنگی و اجتماعی با قانون‌گزیزی در شهر سمنان	پیراوری (۱۳۹۸)	پیمایش (پرسش‌نامه)
شناسایی و اولویت‌بندی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر قانون‌گزیزی موتورسیکلت‌سواران	کشفی و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۸)	پیمایش (پرسش‌نامه)
تحلیل تطبیقی عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی و قانون‌شکنی در استان‌های ایران مبتنی بر منطق فازی	سوهانیان حقیقی، فولادیان و اکبری (۱۳۹۹)	روش تطبیقی با رویکرد فازی (تحلیل داده‌های موجود ثانویه)
تحلیلی بر زمینه‌های اجتماعی پدیده قانون‌گزیزی (جوانان ۳۵- ۱۸ ساله بندر عباس)	سرافراز، نیکخواه و رستگار (۱۴۰۰)	پیمایش (پرسش‌نامه)
بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی و ارائه راهکارهای پیشگیرانه (مورد مطالعه: شهر گرگان)	حیدرنژاد، افخمی مصطفوی و مقیمی (۱۴۰۰)	پیمایش (پرسش‌نامه)
تحلیل رابطه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی (مورد مطالعه: جوانان ۲۰ تا ۳۴ ساله مناطق شهر مشهد)	شریتیان، جهانشیری و عمرانی (۱۴۰۰)	پیمایش (پرسش‌نامه)
عوامل زمینه‌ساز قانون‌گزیزی در ادارات شهر اهواز	صفاری‌نیا و همکاران (۱۴۰۰)	کیفی (مصاحبه)

ب) یافته‌های جمعیت‌شناختی فراترکیب پژوهش

جدول زیر نمای کلی از خصوصیات دموگرافیک پاسخگویان بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های ثانویه مقالات، ارائه می‌دهد:

جدول ۳. یافته‌های جمعیت‌شناختی فراترکیب پژوهش‌های انجام گرفته

متغیر	ویژگی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۵۳
	زن	۴۷
وضع تأهل	متأهل	۶۰
	مجرد	۳۸
تحصیلات	ابتدایی	۱۰
	راهنمایی	۲۰
	دبیرستان	۲۹
	دانشگاه	۵۸
گروه سنی	۱۸-۲۷ سال	۲۸
	۲۸-۳۵ سال	۲۶
	۳۶ سال به بالا	۴۱

نتایج جدول ارائه‌شده نشان می‌دهد که از بین پاسخگویان، ۵۳ درصد مرد و ۴۷ درصد زن هستند. این به این معناست که اکثریت پاسخگویان مرد بوده‌اند. همچنین، در زمینه وضعیت تأهل، ۶۰ درصد از افراد متأهل و ۳۸ درصد مجرد هستند؛ بنابراین، می‌توان گفت که بیشتر افراد جامعه مورد پژوهش، متأهل بوده‌اند. در حوزه تحصیلات، ۱۰ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۰ درصد راهنمایی، ۲۹ درصد دبیرستان و ۵۸ درصد دانشگاهی هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. به لحاظ گروه سنی، ۲۸ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۱۸-۲۷ سال، ۲۶ درصد در گروه سنی ۲۸-۳۵ سال و ۴۱ درصد در گروه سنی ۳۶ سال به بالا قرار دارند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر پاسخگویان بالای ۳۶ سال هستند.

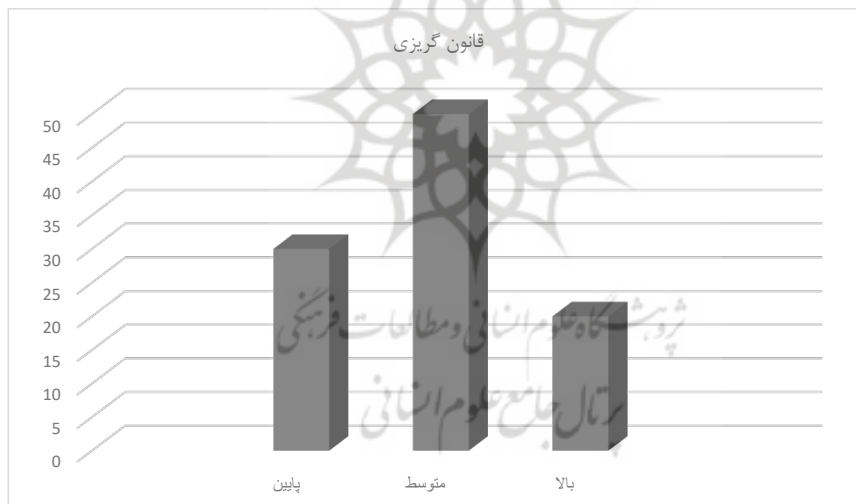
ج) سطح کلی قانون‌گزیزی در فراترکیب پژوهش‌های ایرانی

بر مبنای پژوهش‌های انجام گرفته قانون‌گزیزی پاسخگویان بر حسب شدت آن، در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۴. سطح قانون‌گزیزی در مطالعات مورد بررسی

قانون‌گزیزی	درصد فراوانی
پایین	۳۰
متوسط	۵۰
بالا	۲۰
جمع	۱۰۰

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که در زمینه قانون‌گزیزی شهروندا در ایران، ۲۷ درصد از پاسخگویان قانون‌گزیزی پایین، ۴۰ درصد متوسط و ۱۰ درصد قانون‌گزیزی بالا را گزارش کرده‌اند.



تصویر ۱. سطح کلی قانون‌گزیزی در فراترکیب پژوهش‌های داخلی

د) فراترکیب هفت‌گانه قانون‌گزیزی

جدول زیر نشان می‌دهد که کدام متغیرها، در کدام مقالات، به‌عنوان عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی بررسی شده‌اند و چگونه در هفت بُعد اصلی طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول ۵. تحلیل مضامین: ابعاد هفت‌گانه مؤثر بر قانون‌گزیزی

سازه	سنگ متغیر	منبع تجربی متغیرهای پژوهش
عوامل جمعیت‌شناختی	سن	فیروز جاثیان و علی‌بابایی (۱۳۹۲)، فیروز جاثیان و هاشمی (۱۳۹۵)، فیروزجاثیان (۱۳۸۸)، مختاری و قهرمانی (۱۳۹۰)
	جنس	سرافراز، نیکخواه و رستگار (۱۴۰۰)، میرزایی و همکاران (۱۳۹۶)، میرفردی و همکاران (۱۳۹۴)، حیدری، رضادوست و فروتن کیا (۱۳۹۱)، مختاری و قهرمانی (۱۳۹۰) فیروزجاثیان (۱۳۸۸)
	وضعیت تأهل	فیروزجاثیان (۱۳۸۸)، مختاری و قهرمانی (۱۳۹۰)، فیروز جاثیان و علی‌بابایی (۱۳۹۲)، میرفردی و همکاران (۱۳۹۴) ربیعی، ملک‌محمدی و قجری (۱۳۹۵)، میرزایی و همکاران (۱۳۹۶)
	تحصیلات	فیروزجاثیان (۱۳۸۸)، ربیعی، ملک‌محمدی و قجری (۱۳۹۵)، فیروزجاثیان و هاشمی (۱۳۹۵)، فیروزجاثیان و توکلی (۱۳۹۵)، سوهانیان حقیقی، فولادیان و اکبری (۱۳۹۹)
	شغل	فیروز جاثیان (۱۳۸۸)، میرزایی و همکاران (۱۳۹۶)
	درآمد	میرزایی و همکاران (۱۳۹۶)، فیروزجاثیان و توکلی (۱۳۹۵)
	نابرابری اجتماعی	داناایی فر، آذر و صالحی (۱۳۸۸)، کشفی و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۸)، حیدری، رضا دوست و فروتن کیا (۱۳۹۱)
عوامل اجتماعی	تبعیض	فیروز جاثیان و هاشمی (۱۳۹۵)، کشفی و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۸)، پیراهری (۱۳۹۹)
	بی‌عدالتی	علی‌اصغر فیروز جاثیان (۱۳۸۸)
	طرد اجتماعی	عشایری و همکاران (۱۳۹۴)
	ضعف هنجاری	علی محسنی (۱۳۹۱)، پیراهری (۱۳۹۸)، کشفی و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۸)
	فقدان فرصت‌های برابر	مختاری و قهرمانی (۱۳۹۰)
	آموزش ضعیف	علی محسنی (۱۳۹۱)
	رضایت اجتماعی	پیراهری (۱۳۹۹)
	جامعه‌پذیری نامناسب	عشایری همکاران (۱۳۹۴)، جاثیان و هاشمی (۱۳۹۵)

منبع تجربی متغیرهای پژوهش	سازه	سنخ متغیر
داناوی فر، آذر و صالحی (۱۳۸۸)، عشایری و همکاران (۱۳۹۴)، فیروز جاثیان و توکلی (۱۳۹۵)، صفاری نیا و همکاران (۱۴۰۰)	عوامل اجتماعی	نظارت اجتماعی ضعیف
عشایری و همکاران (۱۳۹۴)، ربیعی، ملک محمدی و فجری (۱۳۹۵)، حیدر نژاد، افخمی مصطفوی و مقیمی (۱۴۰۰)		ضعف اخلاق شهروندی
کشفی و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۸)		فروپاشی خانواده
فیروز جاثیان و علی بابایی (۱۳۹۲)، پیراهری (۱۳۹۸)، پیراهری (۱۳۹۹) شربتیان، جهانشیری و عمرانی (۱۴۰۰)، حیدر نژاد، افخمی مصطفوی و مقیمی (۱۴۰۰)		بی اعتمادی اجتماعی
زارع شاه آبادی و ترکان (۱۳۹۱)، خدایاری، جهانبخش و حقیقیان (۱۳۹۶)، شربتیان، جهانشیری و عمرانی (۱۴۰۰)، صفاری نیا و همکاران (۱۴۰۰)		فقدان سرمایه اجتماعی
میرزایی و همکاران (۱۳۹۶)، مختاری و قهرمانی (۱۳۹۰)، حیدر نژاد، افخمی مصطفوی و مقیمی (۱۴۰۰)		فقدان انسجام اجتماعی
فیروز جاثیان و علی بابایی (۱۳۹۲)، فیروز جاثیان و هاشمی (۱۳۹۵)	عوامل اقتصادی	وضعیت اقتصادی
کلانتری، ربانی و صداقت (۱۳۸۴)، شربتیان، جهانشیری و عمرانی (۱۴۰۰)		فقر
سوهانیان حقیقی، فولادیان و اکبری (۱۳۹۹)		بیکاری
طاها عشایری (۱۳۹۴)		نابرابری اقتصادی
داناوی فر، آذر و صالحی (۱۳۸۸)	عوامل فرهنگی	مشکلات معیشتی
فیروز جاثیان و علی بابایی (۱۳۹۲)، فیروز جاثیان و هاشمی (۱۳۹۵)، کشفی و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۸)		فرهنگ فردگرایی
کلانتری، ربانی و صداقت (۱۳۸۴)، داناوی فر، آذر و صالحی (۱۳۸۸)، عشایری و همکاران (۱۳۹۴)، پور رجبی و مجدی (۱۳۹۸)، صفاری نیا و همکاران (۱۴۰۰)، حیدر نژاد، افخمی مصطفوی و مقیمی (۱۴۰۰)		ضعف فرهنگ قانون مداری

سازه	سنگ متغیر	منبع تجربی متغیرهای پژوهش
عوامل فرهنگی	ضعف باورهای مذهبی	کلانتری، ربانی و صداقت (۱۳۸۴)، فیروزجائیان و هاشمی (۱۳۹۵)، ربیعی، ملک‌محمدی و قجری (۱۳۹۵)، پور رجبی و مجدی (۱۳۹۸)، شریتیان، جهانشیری و عمران (۱۴۰۰)
	سنت‌پرستی	عشایری و همکاران (۱۳۹۴)
	تأثیر رسانه‌ها و فرهنگ عامه	ربیعی، ملک‌محمدی و قجری (۱۳۹۵)، کشفی و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۸)
	ضعف فرهنگ شهروندی	عشایری و همکاران (۱۳۹۴)، میرفردی و همکاران (۱۳۹۴)، ربیعی، ملک‌محمدی و قجری (۱۳۹۵)
عوامل سیاسی	ضعف قانون	علی‌محسنی (۱۳۹۱)، عشایری و همکاران (۱۳۹۴)
	سوءاستفاده از قدرت	دانایی‌فر، آذر و صالحی (۱۳۸۸)، صفاری نیا و همکاران (۱۴۰۰)
	ناکارآمدی دولت	عشایری و همکاران (۱۳۹۴)
	بی‌اعتمادی به دولت	فیروزجائیان (۱۳۸۸)، فیروزجائیان و علی‌بابایی (۱۳۹۲)
	فقدان مشروعیت سیاسی	فیروزجائیان (۱۳۸۸)
عوامل مدیریتی	ضعف در اجرای قانون	فیروزجائیان و علی‌بابایی (۱۳۹۲)، دانایی‌فر، آذر و صالحی (۱۳۸۸)، عشایری و همکاران (۱۳۹۴)
	فساد اداری	دانایی‌فر، آذر و صالحی (۱۳۸۸)
	بروکراسی پیچیده	دانایی‌فر، آذر و صالحی (۱۳۸۸)
	ناکارآمدی سیستم قضایی و انتظامی	عشایری و همکاران (۱۳۹۴)، صفاری نیا و همکاران (۱۴۰۰)
	آشفته‌گی یا احساس آنومی	پور رجبی و مجدی (۱۳۹۸)، کشفی و زارعی محمودآبادی (۱۳۹۸)، پیراوری (۱۳۹۹)، حیدرنژاد، افخمی مصطفوی و مقیمی (۱۴۰۰)
عوامل محیطی	محیط‌های جرم‌خیز	دانایی‌فر، آذر و صالحی (۱۳۸۸)، عزیزی و پرتوی (۱۳۹۴)، سرافراز، نیکخواه و رستگار (۱۴۰۰)
	مشکل مسکن	دانایی‌فر، آذر و صالحی (۱۳۸۸)، ربیعی، ملک‌محمدی و قجری (۱۳۹۵)

جدول فراترکیب هفت گانه قانون‌گزیزی نشان می‌دهد که بر اساس یافته‌های پژوهش‌ها، متغیرهای مختلف در ۷ بعد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، جمعیت‌شناختی، سیاسی، مدیریتی و محیطی دسته‌بندی شده‌اند.

در بعد جمعیت‌شناختی، ۶ متغیر شامل سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، شغل و درآمد شناسایی شده‌اند که در مجموع ۲۵ ارجاع را به خود اختصاص داده‌اند. این متغیرها نشان‌دهنده تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی افراد بر رفتارهای قانون‌گريزانه هستند. بر اساس یافته‌ها، گروه‌های جمعیتی با ویژگی‌های خاص، از جمله سنین پایین‌تر و درآمد پایین‌تر، احتمال بیشتری برای ارتکاب رفتارهای قانون‌گريزانه دارند، زیرا این عوامل می‌توانند بر دسترسی به فرصت‌های برابر و احساس عدالت تأثیرگذار باشند.

در بعد اجتماعی، ۱۵ متغیر و ۳۶ ارجاع شناسایی شده است که بیشترین سهم را در میان ابعاد مختلف به خود اختصاص داده است. از جمله این متغیرها می‌توان به نابرابری اجتماعی، تبعیض، بی‌عدالتی، طرد اجتماعی و... اشاره کرد. این متغیرها نشان می‌دهند که شرایط و ساختارهای اجتماعی، از جمله نابرابری‌ها، تبعیض‌ها و ضعف در نظارت اجتماعی و هنجاری، تأثیر قابل توجهی بر قانون‌گزیزی دارند. به عبارتی، این متغیرها ارتباط معناداری میان ویژگی‌های ساختاری جامعه و بروز رفتارهای انحرافی را برجسته می‌سازند.

در بعد اقتصادی، ۵ متغیر با ۷ ارجاع شناسایی شده است. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که وضعیت اقتصادی ضعیف و دسترسی محدود به منابع اقتصادی می‌تواند افراد را به سمت تخطی از قوانین و هنجارها سوق دهد. به ویژه در جوامع با نابرابری‌های اقتصادی شدید، افراد به دلیل فقدان فرصت‌های برابر و احساس بی‌عدالتی اقتصادی، تمایل بیشتری به نادیده گرفتن قوانین نشان می‌دهند. این امر نقش نابرابری اقتصادی را به عنوان یکی از عوامل اصلی در تبیین رفتارهای قانون‌گريزانه برجسته می‌کند.

در بعد فرهنگی، با ۶ متغیر و ۲۰ ارجاع، متغیرهایی چون فرهنگ فردگرایی، ضعف فرهنگ قانون‌مداری، ضعف باورهای مذهبی، سنت‌پرستی و تأثیر رسانه‌ها و فرهنگ عامه مورد توجه قرار گرفته‌اند. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که الگوهای فرهنگی و اجتماعی، از جمله باورها و ارزش‌ها، می‌توانند به طور مستقیم بر میزان تمایل افراد به قانون‌گزیزی تأثیر بگذارند. به عنوان مثال، ضعف در فرهنگ قانون‌مداری می‌تواند به کاهش مشروعیت قوانین در اذهان عمومی منجر شود و به تبع آن، رفتارهای انحرافی افزایش یابد.

ابعاد سیاسی و مدیریتی نیز با ۹ متغیر و ۱۵ ارجاع، نقش قابل‌توجهی در تبیین قانون‌گزیزی دارند. عواملی مانند سوءاستفاده از قدرت، ناکارآمدی دولت، بی‌اعتمادی به دولت و فساد اداری می‌توانند به‌طور قابل‌توجهی بر افزایش قانون‌گزیزی تأثیر بگذارند. به‌ویژه در جوامعی که نهادهای حکومتی از مشروعیت کافی برخوردار نیستند یا قوانین به‌درستی اجرا نمی‌شوند، احتمال بروز رفتارهای قانون‌گريزانه بیشتر است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که ضعف‌های نهادی و اجرایی می‌توانند به‌عنوان زمینه‌ساز رفتارهای انحرافی عمل کنند.

در بعد محیطی، ۳ متغیر و ۹ ارجاع شناسایی شده است که کمترین تعداد متغیرها را در این تحلیل دارد. این متغیرها به‌ویژه در تحلیل‌های شهری و در محیط‌های با نرخ بالای بیکاری و فقر، تأثیرات منفی زیادی بر رفتارهای اجتماعی و نرخ قانون‌گزیزی دارند. عواملی مانند آشفستگی یا احساس آنومی و محیط‌های جرم‌خیز می‌توانند بسترهای مناسبی برای رفتارهای انحرافی ایجاد کنند.

در مجموع، بعد اجتماعی با ۱۵ متغیر و بیش از ۳۶ مورد ارجاع بیشترین تعداد متغیرها را در تبیین قانون‌گزیزی در پژوهش‌های ایرانی به خود اختصاص داده است، درحالی‌که بعد اقتصادی با ۷ ارجاع از کمترین سهم تبیینی برخوردار است. به‌طور خاص، متغیرهای اجتماعی مانند بی‌اعتمادی، نظارت اجتماعی ضعیف و سرمایه اجتماعی پایین، بیشترین سهم را در تبیین قانون‌گزیزی داشته‌اند. این نتایج نشان‌دهنده آن است که پژوهش‌ها غالباً با رویکرد جامعه‌شناختی نگاشته شده‌اند و بسیاری از فرضیه‌ها و نظریه‌ها در این زمینه به‌طور خاص به تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌اند.

ه) مدل تجربی (انطباق تجربی - نظری)

مدل تجربی بررسی قانون‌گزیزی در ایران، متشکل از مؤلفه‌هایی است که بر پایه آزمون‌های تجربی معتبر شکل گرفته و کارآمدی خود را در تبیین این پدیده در واقعیت نشان داده‌اند. به بیان دیگر، این مدل از پایداری نظری در برابر شواهد تجربی برخوردار است. در چارچوب این مدل، متغیرهایی که در پژوهش‌های داخلی به‌عنوان عوامل کلیدی در تحلیل قانون‌گزیزی شناخته‌شده و از قابلیت اتکا برخوردار بوده‌اند، در جدول زیر بر مبنای شاخص‌هایی چون ویژگی‌های جمعیتی، ساختار اجتماعی، مکانیسم‌های کنترل اجتماعی، فرهنگ و هنجارها، ساختار اقتصادی و نهادی، سیستم قانونی و اجرایی و همچنین شرایط محیطی طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول ۶. مدل نظری - تجربی استخراج شده از فراترکیب

مدل تجربی پژوهش	سازه نظری
سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، شغل، درآمد	ویژگی‌های جمعیتی
نابرابری اجتماعی، تبعیض، بی‌عدالتی، طرد اجتماعی، فروپاشی خانواده	ساختار اجتماعی
نظارت اجتماعی ضعیف، جامعه‌پذیری نامناسب، ضعف اخلاق شهروندی، بی‌اعتمادی اجتماعی، ضعف فرهنگ شهروندی	کنترل اجتماعی
فرهنگ فردگرایی، ضعف فرهنگ قانون‌مداری، ضعف باورهای مذهبی، سنت‌پرستی، تأثیر رسانه‌ها و فرهنگ عام	فرهنگ و هنجارها
وضعیت اقتصادی، فقر، بیکاری، نابرابری اقتصادی، مشکلات معیشتی، فقدان فرصت‌های برابر، فساد اداری، بروکراسی پیچیده	ساختار اقتصادی و نهادی
ضعف در اجرای قانون، ناکارآمدی سیستم قضائی و انتظامی، سوءاستفاده از قدرت، فقدان مشروعیت سیاسی، ناکارآمدی دولت	سیستم قانونی و اجرایی
آشفته‌گی یا احساس انومی، محیط‌های جرم‌خیز	شرایط محیطی

و) نظریات مورد استفاده در پژوهش‌ها:

در این بخش، نظریه‌های به کاررفته در تحلیل قانون‌گزینی از نظر میزان کاربرد و حوزه تحلیلی طبقه‌بندی شده‌اند:

جدول ۷. مهم‌ترین نظریات مورد استفاده در تحقیقات

میزان کاربرد در تحقیقات موردبررسی	شرح	نام نظریه
۲۱	این نظریه که توسط دورکیم و مرتن مطرح شده است، به ناکارآمدی ساختارهای اجتماعی در پاسخگویی به نیازها و انتظارات افراد می‌پردازد. این ناکارآمدی می‌تواند منجر به احساس بی‌هنجاری و قانون‌گزینی شود.	آنومی
۶	این نظریه بر اهمیت هنجارها، قوانین و مجازات‌ها در کنترل رفتار افراد تأکید می‌کند. ضعف در کنترل اجتماعی می‌تواند به افزایش قانون‌گزینی منجر شود.	کنترل اجتماعی
۵	این نظریه به شبکه‌های روابط اجتماعی و هنجارهای متقابل در جامعه می‌پردازد. سرمایه اجتماعی قوی می‌تواند به کاهش قانون‌گزینی کمک کند.	سرمایه اجتماعی

نام نظریه	شرح	میزان کاربرد در تحقیقات مورد بررسی
عدالت رویه‌ای	این نظریه به ادراک افراد از انصاف و عدالت در فرآیندهای قانونی می‌پردازد. ادراک پایین از عدالت رویه‌ای می‌تواند به افزایش قانون‌گزیزی منجر شود.	۲
پیوند اجتماعی	این نظریه بر پیوندهای عاطفی و تعهد افراد به یکدیگر و جامعه تمرکز دارد. پیوند اجتماعی قوی می‌تواند به افزایش پایبندی به قانون و کاهش قانون‌گزیزی منجر شود.	۵
نظریه یادگیری اجتماعی	طبق این نظریه رفتار از طریق تجربه‌های مستقیم و تقلید فرا گرفته می‌شود. از این دیدگاه افراد با تمایلات مجرمانه و خشن به دنیا نمی‌آیند بلکه آن را در طی زندگی می‌آموزند.	۱
نظریه تضاد	انحراف نتیجه تضادهای اجتماعی و اقتصادی در جامعه است. این نظریه بیان می‌کند که قوانین و هنجارها توسط گروه‌های قدرتمند برای حفظ منافع خودشان تدوین می‌شوند و گروه‌های کمتر قدرتمند ممکن است به رفتارهای انحرافی روی آورند چون قوانین را ناعادلانه می‌دانند.	۱

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ۲۵ مقاله مرتبط با عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی در ایران بررسی شدند. هدف این تحلیل، دسته‌بندی نظریه‌های مورداستفاده و عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی و ارائه جمع‌بندی جامع از این تحقیقات برای ارائه یک چارچوب نظری قوی‌تر برای مطالعات در این حوزه در آینده است.

در مجموع، پژوهش‌های اجتماعی انجام‌شده در ایران را می‌توان از منظر تجربی در چندین سطح دسته‌بندی کرد که هر یک از این سطوح بر ابعاد مختلف قانون‌گزیزی در جامعه تأثیرگذارند. این سطوح شامل ویژگی‌های جمعیتی، ساختار اجتماعی، کنترل اجتماعی، فرهنگ و هنجارها، ساختار اقتصادی و نهادی، سیستم قانونی و اجرایی و شرایط محیطی هستند. در ادامه به توضیح هر یک از این سطوح پرداخته می‌شود:

ویژگی‌های جمعیتی

عوامل جمعیتی نظیر سن، جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و موقعیت شغلی، نقش مهمی در میزان قانون‌گزیزی ایفا می‌کنند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که

جوانان، به دلیل گرایش به استقلال و کمبود تجربه اجتماعی، بیش از سایر گروه‌های سنی در معرض رفتارهای قانون‌گريزانه قرار دارند. همچنین، تفاوت‌های جنسیتی در میزان قانون‌گريزی مشهود است؛ مردان، تحت تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی، بیشتر از زنان در رفتارهای هنجارشکنانه مشارکت دارند. علاوه بر این، تحصیلات بالاتر و وضعیت تأهل، به دلیل ایجاد پیوندهای اجتماعی مستحکم‌تر، احتمال تخطی از قوانین را کاهش می‌دهند.

ساختار اجتماعی

ساختار اجتماعی جامعه، از جمله میزان نابرابری، بی‌عدالتی، تبعیض و طرد اجتماعی، تأثیر مستقیمی بر قانون‌گريزی دارد. بر اساس نظریه محرومیت نسبی، هنگامی که افراد احساس کنند که در مقایسه با دیگران از امکانات و فرصت‌های اجتماعی محروم هستند، احتمال گرایش آن‌ها به رفتارهای قانون‌گريزانه افزایش می‌یابد. ضعف سرمایه اجتماعی و کاهش انسجام اجتماعی نیز، موجب کاهش اثرگذاری نظارت‌های غیررسمی شده و امکان افزایش تخلفات را فراهم می‌آورد.

کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی که شامل سازوکارهای رسمی و غیررسمی نظارت بر رفتار شهروندان است، نقش کلیدی در پیشگیری از قانون‌گريزی دارد. کنترل رسمی، از طریق نهادهایی مانند پلیس، دستگاه قضایی و نظام کیفری اعمال می‌شود، در حالی که کنترل غیررسمی، در قالب هنجارهای فرهنگی، جامعه‌پذیری و روابط خانوادگی بروز می‌یابد. نظریه کنترل اجتماعی هیرشی تأکید می‌کند که هرچه پیوندهای فرد با جامعه قوی‌تر باشد، احتمال قانون‌گريزی کاهش می‌یابد. ضعف نظارت اجتماعی، جامعه‌پذیری نامناسب، کاهش اعتماد اجتماعی و ضعف فرهنگ شهروندی، از جمله عواملی هستند که می‌توانند کنترل اجتماعی را تضعیف کرده و موجب افزایش تخلفات شوند.

فرهنگ و هنجارها

فرهنگ و هنجارهای اجتماعی، از طریق شکل‌دهی به نگرش‌ها و رفتارهای شهروندان، تأثیر بسزایی در رعایت قوانین دارند. در جوامعی که فرهنگ قانون‌مداری ضعیف است و رعایت قوانین به عنوان یک ارزش اجتماعی تلقی نمی‌شود، میزان قانون‌گريزی افزایش می‌یابد. نظریه یادگیری اجتماعی نشان می‌دهد که افراد از طریق تعاملات اجتماعی، نگرش‌های خود را در مورد قوانین و هنجارها شکل می‌دهند. فردگرایی

افراطی، ضعف باورهای مذهبی، تأثیر رسانه‌ها و گسترش فرهنگ عامه‌ای که تخطی از قانون را عادی‌سازی می‌کند، ازجمله عواملی هستند که می‌توانند به کاهش التزام به قوانین منجر شوند.

ساختار اقتصادی و نهادی

وضعیت اقتصادی، سطح فقر، میزان بیکاری، نابرابری اقتصادی و مشکلات معیشتی، ازجمله متغیرهایی هستند که رابطه مستقیمی با قانون‌گزیزی دارند. بر اساس نظریه محرومیت نسبی، احساس نابرابری در میان افراد، آن‌ها را به سمت تخلفات و رفتارهای قانون‌گريزانه سوق می‌دهد. این یافته‌ها همچنین با نظریه تضاد اجتماعی همخوانی دارند. نظریه تضاد تأکید دارد که قوانین معمولاً منافع طبقات حاکم را تأمین می‌کنند و در نتیجه طبقات محروم ممکن است از پذیرش آن‌ها سر باز زنند. همچنین، تجربه بی‌عدالتی اقتصادی می‌تواند مشروعیت قانون را در ذهن شهروندان کاهش دهد. از سوی دیگر، فساد اداری، بروکراسی پیچیده و ناکارآمدی نظام اقتصادی، اعتماد عمومی به نهادهای رسمی را کاهش داده و تمایل به رعایت قوانین را تضعیف می‌کند. در جوامعی که فرصت‌های برابر برای پیشرفت اقتصادی وجود ندارد، تخلفات مالی، فرار مالیاتی و سایر اشکال قانون‌گزیزی اقتصادی به امری شایع تبدیل می‌شود.

سیستم قانونی و اجرایی

کیفیت عملکرد سیستم قانونی و اجرایی، نقشی تعیین‌کننده در میزان تبعیت شهروندان از قوانین دارد. نظریه عدالت رویه‌ای تأکید می‌کند که هرچه اجرای قوانین عادلانه‌تر و بی‌طرفانه‌تر باشد، احتمال پابندی افراد به قوانین افزایش خواهد یافت. در مقابل، ضعف در اجرای قانون، ناکارآمدی دستگاه قضایی و انتظامی، سوءاستفاده از قدرت و کاهش مشروعیت سیاسی، می‌توانند منجر به افزایش قانون‌گزیزی شوند. شفافیت در فرایندهای قانونی، پاسخگویی مسئولان و کارآمدی نظام اجرایی، ازجمله عواملی هستند که موجب تقویت اعتماد عمومی و کاهش میزان تخلفات می‌شوند.

شرایط محیطی

ویژگی‌های محیطی، نظیر وضعیت فیزیکی شهر، امنیت محلات، میزان نظارت اجتماعی و طراحی شهری، تأثیر بسزایی بر میزان قانون‌گزیزی افراد دارند. نظریه «پنجره شکسته» نشان می‌دهد که محیط‌های بی‌نظم و آشفتگی‌های شهری، می‌توانند احساس آنومی را در افراد تقویت کرده و زمینه‌ساز رفتارهای قانون‌گريزانه شوند. در

مقابل، ایجاد فضاهای عمومی ایمن، بهبود زیرساخت‌های شهری، افزایش نظارت اجتماعی و طراحی مناسب محیط‌های مسکونی و تجاری، می‌توانند میزان تخلفات را کاهش داده و حس نظم و مسئولیت‌پذیری را در شهروندان تقویت کنند. در مجموع، قانون‌گزینی پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر ترکیبی از عوامل جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نهادی قرار دارد.

همچنین بر مبنای تحلیل ۲۵ مطالعه مرور شده در این پژوهش، برنامه جامع پیشگیرانه برای کاهش قانون‌گزینی باید بر اصل مقابله با عوامل ریشه‌ای این پدیده استوار باشد این برنامه باید ابعاد مختلف جامعه را در برگیرد و از طریق همکاری و هم‌افزایی تمام نهادها و سازمان‌های مربوطه اجرا شود.

مهم‌ترین اقدامات این برنامه می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

در حوزه عوامل جمعیت‌شناختی:

- آموزش مهارت‌های زندگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای جوانان: با توجه به سهم بالای قانون‌گزینی در میان جوانان، برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی در دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز فرهنگی ضروری است.
- تقویت برنامه‌های مشاوره‌ای برای خانواده‌ها و زوجین: از آنجا که افراد متأهل قانون‌گزینی کمتری نشان داده‌اند، حمایت از نهاد خانواده می‌تواند عامل بازدارنده‌ای باشد.
- ایجاد فرصت‌های شغلی برای گروه‌های در معرض آسیب: به‌ویژه برای اقشار کم‌درآمد و دارای تحصیلات پایین، زیرا درآمد پایین و بیکاری با قانون‌گزینی مرتبط هستند.

در حوزه ساختار اجتماعی:

- کاهش نابرابری‌های اجتماعی از طریق سیاست‌های توزیع مجدد: نظیر عدالت در خدمات اجتماعی، بیمه، آموزش و بهداشت در مناطق محروم و حاشیه‌ای.
- افزایش سرمایه اجتماعی از طریق تشویق به مشارکت مدنی: راه‌اندازی انجمن‌های محله‌ای، شوراهای اجتماعی محلی و برنامه‌های داوطلبانه برای تقویت حس تعلق اجتماعی.
- تقویت سازوکارهای غیررسمی کنترل اجتماعی: مانند نقش معتمدین محلی، ریش‌سفیدان، شوراهای مردمی و نهادهای خیریه در نظارت و هدایت رفتاری.

در حوزه کنترل اجتماعی:

- بازنگری در محتوای آموزشی رسمی با تأکید بر جامعه‌پذیری مدنی: گنجاندن آموزش حقوق شهروندی، قانون‌گرایی و مسئولیت اجتماعی در برنامه درسی مدارس و دانشگاه‌ها.
- افزایش اعتماد اجتماعی از طریق شفاف‌سازی عملکرد نهادها: نهادهای قضایی، انتظامی، اداری و آموزشی باید پاسخگو، شفاف و در دسترس مردم باشند.
- ترویج اخلاق شهروندی با ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای: مثل ساخت سریال‌ها و مستندهایی که مسئولیت‌پذیری و رعایت قانون را تبلیغ می‌کنند.

در حوزه فرهنگی و هنجاری:

- تقویت فرهنگ قانون‌مداری از طریق آموزش عمومی: ایجاد کمپین‌های آموزشی چندرسانه‌ای با شعارهایی همچون قانون‌گزیزی یعنی تضییع حقوق دیگران.
- تقویت باورهای دینی، اخلاقی و ارزش‌های جمع‌گرایانه: با استفاده از ظرفیت‌های مساجد، مراکز فرهنگی و نهادهای مذهبی برای افزایش احساس نظارت درونی.
- مدیریت محتوای رسانه‌ها و فرهنگ عامه: با هدایت تولیدات رسانه‌ای در جهت احترام به قانون و هنجارهای اجتماعی و مقابله با عادی‌سازی تخلف.

در حوزه اقتصادی:

- ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و منصفانه: با تمرکز بر مناطق دارای نرخ بیکاری بالا.
- مقابله با فقر از طریق سیاست‌های حمایتی هدفمند: پرداخت‌های مستقیم، وام‌های خرد، خدمات عمومی رایگان یا ارزان برای خانواده‌های کم‌درآمد.
- کاهش نابرابری اقتصادی: با اصلاح نظام مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی و فساد اقتصادی.

در حوزه قانونی و اجرایی:

- اجرای منصفانه و شفاف قانون برای همه اقشار: کاهش تبعیض قانونی و افزایش کارایی دادگاه‌ها و پلیس می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد.
- مبارزه با فساد اداری و سوءاستفاده از قدرت: نهادهای نظارتی باید تقویت و مستقل شوند.

- افزایش مشروعیت سیاسی و تقویت حاکمیت قانون: از طریق اصلاح نظام نمایندگی، شفافیت تصمیم‌گیری‌ها و توجه به خواست و مشارکت مردم در سیاست‌گذاری‌ها.

در حوزه محیطی:

- بهسازی محیط‌های شهری و کاهش حس آنومی: طراحی شهری باید بر ایجاد نظم، امنیت، فضای سبز و زیبایی‌شناسی عمومی متمرکز باشد.
- ایجاد فضاهای عمومی امن و نظارت‌شده: پارک‌ها، محلات و مراکز خرید باید نظارت فیزیکی و اجتماعی مستمر داشته باشند.
- برنامه‌ریزی شهری با رویکرد پیشگیری از جرم: بر اساس نظریه «پنجره شکسته» باید از بی‌نظمی شهری و تخریب محیط جلوگیری شود. و درنهایت به بررسی نقاط قوت و ضعف مطالعات انجام شده در مورد عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در ایران و توصیه‌هایی برای محققان آینده می‌پردازیم:

نقاط قوت:

- جامعه آماری: اکثر مطالعات از حجم نمونه قابل قبولی برخوردار بوده‌اند و از روش‌های پیمایشی برای جمع‌آوری داده استفاده کرده‌اند.
- تنوع جغرافیایی: مطالعات در مناطق مختلف ایران انجام شده‌اند که به درک بهتر تنوع جغرافیایی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی کمک می‌کند.
- تنوع روش‌شناسی: از روش‌های مختلفی مانند پیمایش، مصاحبه و اسنادی در مطالعات استفاده شده است که به غنی‌تر شدن یافته‌ها کمک می‌کند.
- استفاده از نظریه‌های مختلف: در اکثر مطالعات از نظریه‌های مختلف علوم اجتماعی برای تبیین قانون‌گریزی استفاده شده است.
- تمرکز بر عوامل متعدد: مطالعات به عوامل متعددی در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و ساختاری پرداخته‌اند.

نقاط ضعف:

- ضعف در رویکردهای کیفی: تعداد کمی از مطالعات از رویکردهای کیفی مانند مصاحبه و مشاهده برای درک عمیق‌تر از تجربیات و دیدگاه‌های افراد در مورد قانون‌گریزی استفاده کرده‌اند.
- عدم توجه به بستر تاریخی و سیاسی: برخی از مطالعات به اندازه کافی به بستر تاریخی و سیاسی ایران که می‌تواند بر قانون‌گریزی تأثیر بگذارد، توجه نکرده‌اند.

- غفلت از برخی از عوامل مهم: برخی از عوامل مهم مانند فساد اداری، ضعف حاکمیت قانون و ساختارهای اجتماعی نابرابر به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته‌اند.
 - مشکلات روش‌شناسی: برخی از مطالعات از نظر روش‌شناسی ضعیف بوده‌اند، مانند استفاده از ابزارهای سنجش نامعتبر یا عدم کنترل متغیرهای مزاحم.
 - عدم تعمیم‌پذیری: یافته‌های برخی از مطالعات به دلیل تمرکز بر یک منطقه خاص یا گروه جمعیتی خاص، قابل تعمیم به کل جامعه ایران نیست.
- مطالعات انجام‌شده در مورد عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی در ایران، اطلاعات ارزشمندی را در مورد این پدیده پیچیده ارائه می‌دهند. با این حال، برای درک کامل‌تر از این پدیده و ارائه راهکارهای مؤثر برای مقابله با آن، نیاز به انجام پژوهش‌های بیشتر با رویکردهای کیفی و کمی قوی‌تر و با تمرکز بر عوامل مختلف در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و ساختاری است.

توصیه‌ها:

- انجام پژوهش‌های بیشتری با رویکردهای کیفی برای درک عمیق‌تر از تجربیات و دیدگاه‌های افراد در مورد قانون‌گزیزی؛
- توجه بیشتر به بستر تاریخی و سیاسی ایران در تبیین قانون‌گزیزی؛
- بررسی دقیق‌تر نقش عوامل مهمی مانند فساد اداری، ضعف حاکمیت قانون و ساختارهای اجتماعی نابرابر در قانون‌گزیزی؛
- استفاده از روش‌های تحقیقاتی قوی‌تر و کنترل متغیرهای مزاحم؛
- انجام پژوهش‌های مقایسه‌ای برای بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها در عوامل مؤثر بر قانون‌گزیزی در مناطق و گروه‌های جمعیتی مختلف.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع و مأخذ

- بریگز، استیون (۱۳۹۶). جرم‌شناسی، ترجمهٔ مریم مهذب، تهران، نشر آوند دانش.
- پوررجبی، میلاد و علی‌اکبر مجدی (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه‌نشین شهر مشهد. فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان، ۱۳(۴)، ۳۵-۶۰.
- DOI:10.22034/fakh.2020.193879.1346
- پیراهری، نیر (۱۳۹۸). بررسی رابطه عوامل فرهنگی و اجتماعی با قانون‌گریزی در شهر سمنان. نشریه علمی انتظام اجتماعی، ۱۲(۱)، ۱۴۱-۱۶۲.
- DOR:20.1001.1.20086024.1399.12.1.7.4
- حیدرزاد، علیرضا، افخمی مصطفوی، مریم سادات و مهدی مقیمی (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی و ارائه راهکارهای پیشگیرانه (مورد مطالعه: شهر گرگان). فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۲۳(۲)، ۱۳۰-۱۵۲.
- DOR:20.1001.1.17359252.1400.23.2.4.0
- حسینی نثار، مجید و ابراهیم فیوضات (۱۳۹۰). نظریه‌های انحرافات اجتماعی، تهران، نشر پژواک.
- حیدری، آرش، رضادوست، کریم و شهروز فروتن کیا (۱۳۹۱). نظریه ازمهم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی: مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. مسائل اجتماعی ایران، ۳(۲)، ۳۹-۵۹.
- DOR:20.1001.1.24766933.1391.3.2.2.7
- خدایاری، سیاوش، جهانبخش، اسماعیل و منصور حقیقیان (۱۳۹۶). رابطه سرمایه اجتماعی با قانون‌گریزی؛ تبیین جامعه‌شناختی. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۴(۲)، ۲۶۵-۲۸۲.
- DOI:10.22059/jscm.2017.235786.1393
- دانایی فر، حسن، آذر، عادل و علی صالحی (۱۳۸۸). قانون‌گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی- فرهنگی. نشریه علمی پژوهش‌های دانش انتظامی، ۱۱(۳)، ۷-۶۵.
- ربیعی، علی‌رضا، ملک محمدی، مهرباب و حسینعلی قجری (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به قانون‌گریزی (جوانان ۱۴ الی ۲۹ ساله شهر بروجن). فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۵(۳۲)، ۱۵۳-۱۷۰.
- روزانه همدلی. (۱۴۰۰). [/https://hamdelidaily.ir](https://hamdelidaily.ir)
- زارع شاه‌آبادی، اکبر و رحمت اله ترکان (۱۳۹۱). رابطه سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی در بین شهروندان شهر یزد. رفاه اجتماعی، ۱۳(۵۰)، ۲۰۵-۱۵۹.
- سیگل، لاری؛ جوزف سنا (۱۳۸۴). بزهکاری نوجوانان، مترجم: علی‌اکبر تاج‌مزیانی، فرامرز ککولی دزفولی، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان
- سرافراز، پرنیان، نیکخواه، هدایت اله و یاسر رستگار (۱۳۹۸). تحلیل بر زمینه‌های اجتماعی پدیده قانون‌گریزی (جوانان ۳۵-۱۸ ساله بندرعباس). نشریه علمی انتظام اجتماعی، ۱۲(۳)، ۱۶۱-۱۸۶.
- DOR:20.1001.1.20086024.1399.12.3.8.9
- سوهانیان حقیقی، محسن، فولادیان، مجید و حسین اکبری (۱۳۹۹). تحلیل تطبیقی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌شکنی در استان‌های ایران مبتنی بر منطق فازی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۲۰(۴)، ۳-۳۲.
- DOI: 10.22034/jsi.2019.47865

از آئینومی تا نظم: کالبدشکافی قانون‌گریزی در جامعه ایران

سیف الهی، سیف اله و اعظم فرهودفر (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قانون‌گریزی جوانان در ایران (مطالعه موردی: شهر سبزوار). تغییرات اجتماعی (مطالعات علوم اجتماعی ایران سابق)، ۹(۳۵)، ۴۹-۶۶.

سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی کجروی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شریبتیان، محمدحسن، جهانشیری، جواد و مهدی عمرانی (۱۴۰۰). تحلیل رابطه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی (مورد مطالعه: جوانان ۲۰ تا ۳۴ ساله مناطق شهر مشهد). نشریه علمی انتظام اجتماعی، ۱۳(۲) ۸۱-۱۱۴. DOR:20.1001.1.20086024.1400.13.2.4.0.

صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. انتشارات سمت.

صفاری نیا، مجید، زالی زاده، مسعود، زالی زاده، محسن و محسن امین (۱۴۰۰). عوامل زمینه‌ساز قانون‌گریزی در ادارات شهر اهواز. نشریه علمی انتظام اجتماعی، ۱۳(۴)، ۸۷-۱۱۲.

DOR: 20.1001.1.20086024.1400.13.4.4.4

عزیزی، سلام و لطیف پرتوی (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با میزان قانون‌گریزی شهروندان شهر مریوان در سال ۹۴-۱۳۹۳. مطالعات جامعه‌شناسی، ۸(۲۹)، ۱۱۳-۱۳۳.

علی محسنی، رضا (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی. پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، ۵(۱۷)، ۸۲-۱۰۸.

علی بابایی، یحیی و علی اصغر فیروز جاثیان (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی، فصلنامه دانش انتظامی، ۱۱(۴)، ۷-۵۸.

عشایری، طاهما، عباسی، الهام، نطقی کاشانی، علیرضا و نرگس پیر حیاتی (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی شهروندان استان اردبیل. فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۱۷(۴)، ۱۷۱-۱۹۴.

فیروز جاثیان، علی اصغر (۱۳۸۸). قانون‌گریزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای). فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۱(۴۲)، ۳۸۱-۴۱۰.

فیروز جاثیان، علی اصغر و جواد توکلی (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی در رانندگی با تأکید بر نظریه کنترل اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر نکا). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۵(۲)، ۲۵-۴۰.

DOI:10.22108/ssoss.2016.20953

فیروز جاثیان، علی اصغر و یحیی علی بابایی (۱۳۹۲). فرسایش سرمایه اجتماعی و قانون‌گریزی در شهر تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۴(۱)، ۱۲۸-۱۵۹.

فیروز جاثیان، علی اصغر و سید ضیاء هاشمی (۱۳۹۵). قانون‌گریزی به مثابه آئینومی اجتماعی. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، ۷(۴۷)، ۸۱-۱۰۶.

کشفی، سید سعید و زهرا زارعی محمودآبادی (۱۳۹۸). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر قانون‌گریزی موتورسیکلت‌سواران. نشریه علمی انتظام اجتماعی، ۱۱(۲)، ۴۵-۶۶.

کلانتری، عبدالحسین، ربانی، رسول و کامران صداقت (۱۳۸۴). ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی. فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۵(۱۸)، ۶۵-۹۰.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مختاری، مریم و مریم قهرمانی (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی مؤثر بر امکان قانون‌گریزی. *راهبرد فرهنگی و اجتماعی*، ۱(۱)، ۱۲۷-۱۴۵.
- میرزایی، ابراهیم، احمدی، یعقوب، بخارایی، احمد و هوشنگ نایی (۱۳۹۶). قانون‌گریزی و پیوندهای اجتماعی (مطالعه موردی: شهر اهواز). *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۸(۳)، ۹۷-۱۲۳.
- مبارکی، محمد (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- میرفردی، اصغر، مختاری، مریم، فرجی، فروغ و هومان دانش‌پذیر (۱۳۹۴). بررسی تأثیر فرهنگ شهروندی بر میزان گرایش به قانون‌گریزی (مورد مطالعه: شهر یاسوج). *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۴(۲)، ۲۰-۱.
- Alibabai, Y., & Firoozjaian, A. (1388). Sociological analysis of factors affecting law-breaking. *Quarterly Journal of Law Enforcement Knowledge*, 11(4), 7-58. [In persian]
- Alimohseni, R. (1391). Sociological analysis of law-breaking and strategies for law-abidingness and public order. *Law Enforcement Order and Security Research Journal*, 5(17), 82-108. [In persian]
- Ashayeri, T. Abbasi, E. Notghi Kashani, A. & Pirhayati, N. (1394). Investigating socio-cultural factors affecting citizens' law-breaking in Ardabil province. *Law Enforcement Knowledge Research Quarterly*, 17(4), 171-194. [In persian]
- Azizi, S., & Partovi, L. (1394). Sociological analysis of factors related to the rate of law-breaking among citizens of Marivan city in 2014-2015. *Sociological Studies*, 8(29), 113-133. [In persian]
- Becker, H. S. (1973). *Outsiders: Studies in the sociology of deviance*. New York: Free Press.
- Briggs, S. (1396). *Criminology* (M. Mohazzab, Trans.). Tehran: Avand Danesh.
- Danaeifard, H., Azar, A., & Salehi, A. (1388). Law-breaking in Iran: Explaining the role of political, economic, legal, managerial and socio-cultural factors. *Scientific Journal of Law Enforcement Knowledge Research*, 11(3), 7-65. [In persian]
- Firoozjaian, A. (1388). Law-breaking (An analysis from the perspective of procedural justice theory). *Scientific-Research Quarterly of Social Welfare*, 11(42), 381-410. [In persian]
- Firoozjaian, A., & Alibabai, Y. (1392). Erosion of social capital and law-breaking in Tehran. *Iranian Journal of Sociology*, 14(1), 128-159. [In persian]
- Firoozjaian, A., & Hashemi, S. Z. (1395). Law-breaking as social anomie. *Scientific Research Quarterly of Social Security Studies*, 7(47), 81-106. [In persian]
- Firoozjaian, A., & Tavakoli, J. (1395). Sociological analysis of law-breaking in driving with emphasis on social control theory (Case study: Youth of Neka city). *Strategic Research on Social Issues*, 5(2), 25-40. [In persian] DOI:10.22108/ssoss.2016.20953
- Giddens, A. (1392). *Sociology* (M. Sabouri, Trans.). Tehran: Ney Publishing. Hasani Nesar, M., & Feyuzat, E. (1390). *Theories of social deviance*. Tehran: Pejvak Publishing.

- Heidari, A., Rezadoost, K., & Foroutan Kia, S. (1391). Institutional disintegration theory and law-breaking: A study of Shahid Chamran University students in Ahvaz. *Iranian Social Issues*, 3(2), 39-59. [In persian] [DOR:20.1001.1.24766933.1391.3.2.2.7](#)
- Heidarnejad, A., Afkhami Mostafavi, M. S., & Moghimi, M. (1400). Investigating factors affecting law-breaking and presenting preventive solutions (Case study: Gorgan city). *Law Enforcement Knowledge Research Quarterly*, 23(2), 130-152. [In persian] [DOR:20.1001.1.17359252.1400.23.2.4.0](#)
- Hirschi, T., & Gottfredson, M. (1993). Commentary: Testing the General Theory of Crime. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 30(1), 47-54.
- Kalantari, A., Rabbani, R., & Sedaghat, K. (1384). The relationship between poverty and law-breaking and the formation of social harm. *Scientific-Research Quarterly of Social Welfare*, 5(18), 65-90. [In persian]
- Kashfi, S. S., & Zarei Mahmoudabadi, Z. (1398). Identifying and prioritizing sociological factors affecting motorcyclists' law-breaking. *Scientific Journal of Social Order*, 11(2), 45-66. [In persian]
- Khodayari, S., Jahanbakhsh, E., & Haghighian, M. (1396). The relationship between social capital and law-breaking: Sociological explanation. *Social Capital Management*, 4(2), 265-282. [In persian] [DOI:10.22059/jscm.2017.235786.1393](#)
- Mirfardi, A., Mokhtari, M., Faraji, F., & Daneshpazir, H. (1394). Investigating the impact of civic culture on the tendency towards law-breaking (Case study: Yasouj city). *Strategic Research on Social Issues*, 4(2), 1-20. [In persian]
- Mirzaei, E., Ahmadi, Y., Bokharaci, A., & Nayebi, H. (1396). Law-breaking and social bonds (Case study: Ahvaz city). *Cultural Sociological Research*, 8(3), 97-123. [In persian]
- Mobaraki, M. (1383). Investigating the relationship between social capital and crime (Master's thesis). Shahid Beheshti University, Faculty of Literature and Humanities. [In persian]
- Mokhtari, M., & Ghahremani, M. (1390). Social factors affecting the possibility of law-breaking. *Cultural and Social Strategy*, 1(1), 127-145. [In persian]
- Piraheri, N. (1398). Investigating the relationship between cultural and social factors and law-breaking in Semnan city. *Scientific Journal of Social Order*, 12(1), 141-162. [In persian] [DOR:20.1001.1.20086024.1399.12.1.7.4](#)
- Pour Rajabi, M., & Majdi, A. A. (1398). Factors affecting law-breaking in marginalized areas of Mashhad. *Scientific Quarterly of Cultural-Social Studies of Khorasan*, 13(4), 35-60. [In persian] [10.22034/fakh.2020.193879.1346 DOI](#)
- Quinney, R. (1979). *Criminology: Analysis and critique of crime in America* (2nd ed.). Boston: Little-Brown Pub. Co.
- Rabiee, A. R., Malek Mohammadi, M., & Ghajari, H. A. (1395). Sociological explanation of factors affecting youth attitudes towards law-breaking (Youth aged 14 to 29 in Borujen city). *Strategic Studies of Sports and Youth Quarterly*, 15(32), 153-170. [In persian]

- Roozaneh Hamdeli. (1400). <https://hamdelidaily.ir/> Saffarinia, M., Zalizadeh, M., Zalizadeh, M., & Amin, M. (1400). Factors contributing to law-breaking in Ahvaz city offices. Scientific Journal of Social Order, 13(4), 87-112. **[In persian]**
- Sarafraz, P., Nikkhah, H., & Rastegar, Y. (1398). An analysis of the social contexts of the law-breaking phenomenon (Youth aged 18-35 in Bandar Abbas). Scientific Journal of Social Order, 12(3), 161-186. **[In persian]** DOR:20.1001.1.20086024.1399.12.3.8.9
- Sedigh Sarvestani, R. (1390). Social pathology: Sociology of social deviations. SAMT Publications. Seyfollahi, S., & Farhoudfar, A. (1391). Investigating social factors affecting youth law-breaking in Iran (Case study: Sabzevar city). Social Changes (Former Iranian Social Science Studies), 9(35), 49-66. **[In persian]**
- Sharbatian, M. H., Jahanshiri, J., & Omrani, M. (1400). Sociological analysis of the relationship between factors affecting law-breaking (Case study: Youth aged 20 to 34 in Mashhad city areas). Scientific Journal of Social Order, 13(2), 81-114. **[In persian]** DOR:20.1001.1.20086024.1400.13.2.4.0
- Siegel, L. J. (2008). Criminology: Theories, patterns, and typologies (10th ed.). Wadsworth/Cengage Learning.
- Siegel, L., & Senna, J. (1384). Juvenile delinquency (A. A. Taj Mazinani & F. Kakoli Dezfuli, Trans.). Tehran: National Youth Organization Publications. **[In persian]**
- Sohanian Haghighi, M., Fouladian, M., & Akbari, H. (1399). Comparative analysis of factors affecting law-breaking and law-violation in Iranian provinces based on fuzzy logic. Iranian Journal of Sociology, 20(4), 3-32. **[In persian]** DOI:10.22034/jsi.2019.47865
- Thio, A. (2001). Deviant Behavior (6th ed.). Boston: Allyn & Bacon.
- Zare Shahabadi, A., & Torkan, R. (1391). The relationship between social capital and law-breaking among citizens of Yazd city. Social Welfare, 13(50), 159-205. **[In persian]**



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

پرتال جامع علوم انسانی